

آینه‌های روبه‌رو

حال سینما خوب نیست



پرویز پرستویی بازیگر

■ با تمام برنامه‌هایی که برای سینما برگزار می‌شود باید بگویم حال سینمای ما اصلا خوب نبوده و بیش از دو سال است که فضای آن برپایان قابل تحمل نیست.افتخار می‌کنم که از زمان جنگ تا امروز خادم دفاع مقدس به عنوان یک هنرمند بوده‌ام، اما باید بگویم امروز با این همه مسایلی که در این‌باره وجود دارد، بوی الرحمن فیلم‌های دفاع مقدس می‌آید.در کشوری که هشت سال جاتانه در مقابل دشمن ایستادگی کرده و باید این فرهنگ نسل به نسل انتقال یابد، ما باید از اکران فیلم دفاع مقدسی «سیزده ۵۹» دفاع کنیم. هنوز سوز‌های بکر و ناشناخته‌ای از دفاع مقدس وجود دارد که باید به تصویر کشیده شود، زیرا به تصویر کشیدن آن برای نسل امروز و فردای کشور نیاز است. من به عنوان یک هنرمند که خود را مدیون مردم می‌دانم، برای شعور و هزینهای که برای دیدن یک فیلم می‌کنید، ارزش قایلم و حاضر نیستم خود را در این وادی بیفکنم. ملت ایران شریف‌تر از آن است که هر چیزی را به عنوان تغذیه فرهنگی و هنری به خودش دهدیم. من به‌دور از هر خط و مشی سیاسی و تفکرات حزبی وظیفه دارم بازی کنم.گرد و غبار مملکت خود را با زرق و برق هیچ کجا از خارج از کشور عوض نمی‌کنم.برخی از مسوولان تنها از تیر دفاع مقدس در سخنرانی‌هایشان استفاده می‌کنند اما در عمل حمایتی از انتقال این فرهنگ در عرصه سینما نمی‌شود.

سخنرانی از بزرگداشت نیما

دور ایران

■ کتابک: شورای کتاب کودک، کانون توسعه فرهنگی کودکان را به عنوان نامزد ایرانی جایزه ترویج کتابخوانی اسامی ۲۰۱۲ به دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان معرفی کرد. کانون توسعه فرهنگی کودکان سازمانی غیردولتی است که با هدف گسترش فرهنگ و هنر در روستاها و مناطق محروم تشکیل شده است.فدایت اصلی این سازمان تالسیس و تجهیز کتابخانه در روستاهاست.
■ مهر:علی باباجاهی ازحذف ۱۱صفحه‌ازدفتر شمر «گل باران هزار روزه» برای دریافت مجوز خبر داد.
■ فریدون جینیدی درباره انتخاب‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی به ایسنا گفته است: در معادل‌سازی خلاقانه عمل نمی‌کنند؛ مثلا معادل‌سازی «دراوینز زینتی» به‌جای «کراوات» مسخره است. وقتی مردم ایران واژه‌هایی را که تصویب می‌شوند به کار نمی‌برند؛ یعنی این واژه‌ها کارایی ندارند. برای مثال، هیچ‌کس «درازلقمه» را به جای «ساندویچ» استفاده نمی‌کند. کسانی که چنین واژه‌ای را می‌سازند؛ از آگاهی کافی برخوردار نیستند؛ وگرنه ما در زمان ساسانیان گونه‌ای خوراکی داشتیم که مانند ساندویچ بوده و اسم آن «بزم‌آورد» بوده است. البته آنها این خوراک را برش می‌داده‌اند و گاز نمی‌زدانند.

خبر آخر

علی منتظری:

سازمان تئاتر یک‌بار به بن بست خورد

■ شرق: علی منتظری، رییس سابق مرکز هنرهای نمایشی با تاکید بر اینکه سازمان تئاتر می‌تواند به عنوان راهکار تئاتر برای برون رفت از مشکلاتی که در آن وجود دارد طرحی‌ارایه کرده معتقد است که این طرح را سال‌ها پیش به وزارتخانه پیشنهاد داده است: «در آن زمان که طرح سازمان تئاتر را ارائه دادم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این طرح به بن‌بست خورد و وقتی از آن ناامید شدم، طرح انجمن‌های نمایش را به عنوان یک آلت‌رناتیو راهاندازی کردم.»علی منتظری که در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ رییس مرکز هنرهای نمایشی بود، شنبه ۲۶ شهریورماه میهمان برنامه مجله تئاتر شبکه چهار سیما بود و در آن به بررسی وضعیت مدیریت تئاتر در ایران پرداخت. این مدیر فرهنگی گفت: «بارها برای حل مشکلات تئاتر خود به صورت خودسر به مجلس شورای اسلامی می‌رفتم تا برای حل مشکلات تئاتر اقداماتی انجام دهم. در آن زمان مقرر بود ما در جهت رشد و اعتلای تئاتر قدم برداریم و روتقی به آن دهیم. در آن زمان تلاش کردیم و برای تئاتر ردیف بودجه‌ای تعیین شد.» او با اشاره به تعریف سیاست تئاتر در شورای عالی انقلاب فرهنگی یادآور شد:خوبشخانه در ایران سیاست تئاتر تعریف و تعیین شده و این نشانگر آن است که مسوولان و مقامات ارشد نظام و حکومت، موافق تئاتر هستند و به آن اهمیت می‌دهند. من در زمان مدیریت خود با روحانیون و ائمه جماعات ملاقات می‌کردم و درباره تئاتر و هنرمندان تئاتر و توجه و حمایت از آنها صحبت می‌کردم. این مدیر اسبق تئاتر، درمورد دلایل استفاده نشدن از ردیف بودجه تئاتر و همچنین شکل نگرفتن سازمان تئاتر طی سالیان گذشته تصریح کرد: آنگونه که باید و شاید مدیران تئاتری پیگیر این موضوعات نبودند. ما طرح موزه تئاتر و سازمان تئاتر را ادامه دادیم، اما حالا شاهدیم که سینما، موزه سینما و سازمان سینمایی را راهاندازی می‌کند، اما ما هنوز به آنها دست پیدا نکرده‌ایم.



قطب‌الدین صادقی کارگردان تئاتر

تشتت آرا و نبود یک سیاست منسجم هم روی نحوه اداره تئاتر کشور تاثیر می‌گذارد و هم روی نوع آثار اجراشده بازتاب خیلی خوبی نخواهد داشت. همه ما به دنبال یک سری معیارهای روشن و هنری هستیم تا بتوانیم اندک تلاشی را که از دست‌مان برمی‌آید، انجام دهیم. هرچند مشکلات همیشه در تئاتر ما بوده و چیز تازه‌ای نیست. این تغییرات و عدم‌ثبات در مدیریت تئاتر کشور به امنیت کاری ما لطمه می‌زند.

ما امنیت شغلی در تئاتر نداریم. من محکوم به

آیدین آغداشلو:

نقاشی‌های من آخرالزمانی است

شرق: این روزها در شهر کتاب‌ها فرصتی پیش می‌آید تا هنرمندان با دوستان و علاقه‌مندان خود دیدار کنند. در این بین سخنرانی آغداشلو یکی از اتفاقات خوبی بود که امکان‌پذیر شد. زبان طنز و نگاه این هنرمند برقراری ارتباط را آسان‌تر کرد. او که دلیل این سخنرانی را نقد درست آثارش توسط منتقدان دانست به عکسش هم اشاره کرد و به مسوولان گفت: «من آدم فلاکت‌زده نیستم. من یک مرد ۳۰ساله خوش تیپم.»به نظر او سخن گفتن درباره خودش کار سخت و پیچیده است: «پیچیده از آن جهت که اثر هنری هنگامی که از زیر دست هنرمند بیرون می‌آید، عمر و حیات می‌یابد. حیاتی که شاید خیلی با نیت هنرمند فرق داشته باشد. زیبایی اثر هنری هم در همین است؛ چرا که وقتی متولد می‌شود، نوعی حیات برمی‌گزیند.» نکته جالب اینکه او نقاشی است که به سادگی می‌گوید، هر تابلویی که نقاشی‌کنم می‌فروشم چون به پولش احتیاج دارم و این اتفاق از ۱۴سالگی افتاده است و از طرف دیگر می‌گوید: «خیلی دنبال این نیستم که نظر مردم راجع به آثارم چیست، چون وقتی اثر زندگی‌اش را آغاز کرد دیگر دنبال آن رفتن و به آن فکر کردن سودی ندارد. من تا ۱۰سال پیش هیچ‌گاه عکس نقاشی‌هایم را هم نمی‌گرفتم؛ چون فکر می‌کردم سودی ندارد.»

اولین اثر خالق شرلوک هولمز رونمایی می‌شود



ایسنا:دست‌نوشته اولین رمان آرتور کان دویل، نویسنده معروفی که به خلق مجموعه داستان‌های «شرلوک هولمز» شهرت دارد، برای اولین‌بار در ماه جاری میلادی در انگلستان به نمایش می‌آید. راوی این رمان -که به‌گونه‌ای یک خودزندگینامه است- اولین سعی کانن دویل در عرصه ادبیات بوده که با تصاویری همراه است.

مدیر دفتر موسیقی: موسیقی جایگاه مثبتی ندارد

ایسنا: این روزها و با گذشت یک ماه از حضور محمد میرزمانی در مسند مدیریت دفتر موسیقی همچنان درباره وضعیت مجوزها، اجاره سالن‌های موسیقی، وضعیت ارکستر سمفونیک تهران، مسایل پیش روی موسیقی نواحی و مواردی دیگر سوالاتی وجود دارد که ایسنا بعضی از آنها را پیگیری کرده است. هرچند وی درباره یکی از مسایل مبتلا به بغین اجرای کنسرت‌ها در شهرستان‌ها که در مدتی اندک برای همایون شجریان و شهرام ناظری لغو شد، گفت: «به هر حال، حساسیت‌های حوزه موسیقی زیاد است و آن چه حساسیت‌برانگیز بوده، رفتار مخاطبان در سالن‌هاست. خواش من این است که برگزارکنندگان سالن را کنترل کنند که هم شهرستان‌ها شاهد اجرای کنسرت باشند و هم به موسیقی لطمه‌ای وارد نشود.» در واقع اکثر سخنان او به بیان مسایل طرح شده آن هم به شکلی دیگر بوده است. این مدیر کل درباره وضعیت موسیقی اعتقاد دارد، هیچ قانون جدیدی را تصویب نکرده است. آدمی هم نیستم که وقتی به سمتی منصوب می‌شوم، بخوام قانون‌ها را تغییر دهم. دوستان گفتند که به بعضی خوانندگان دو سانس و به تعدادی از آنها یک سانس مجوز می‌دهیم. این مساله برایم سوال بود، اما پاسخ مدونی نیافتم و با خود فکر کردم که بهتر

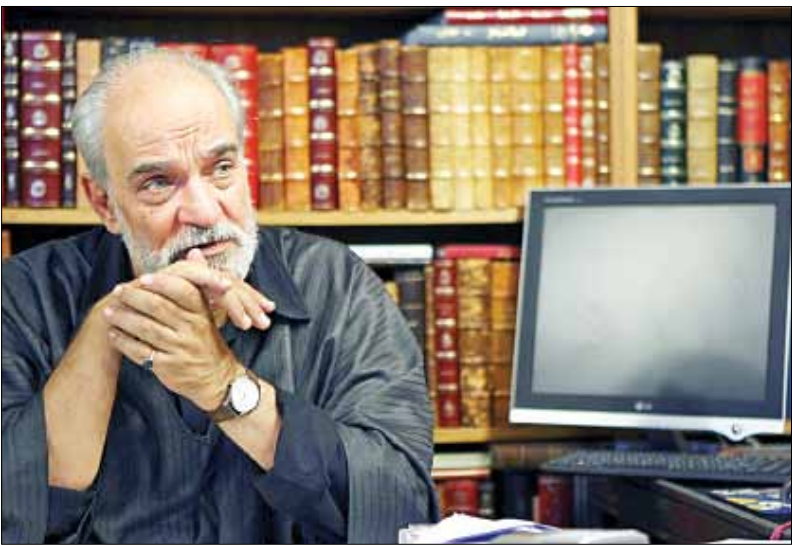
ادب‌و‌هنر

واکنش پنجم

محکوم به بیکاری هستیم

تحصیل‌کرده و این همه دانشکده و سالی ۷۰۰ تا هزارنفر فارغ‌التحصیل تئاتر، تولیدنداریم، فضاهای فرهنگی که باید تولید کنند، خالی هستند. در هر شهری رفت‌م دیدم تئاتر تعطیل است. چون پول نیست. سالن دارند اما پولی ندارند و تولید نیست. یک عده عاشق کار هستند ولی سالن ندارند یا مجوز نمی‌گیرند. در هیچ جای دنیا جشنواره اخلاسی در بدنه اصلی تئاتر حرفه‌ای ایجاد نمی‌کند و نمایش‌های تجربی را در سالن‌های حرفه‌ای به صحنه نمی‌آورند. اینجا همه چیز برعکس است. گروه‌هایی که

دست چپ و راست خود را نمی‌شناسند و می‌خواهند مثلا کار تجربی بکنند یک دفعه حرفه‌ای‌ترین سالن مملکت را در اختیارشان قرار می‌دهند. این یک تشتت فرهنگی است و درست نیست. آمارهای ما باید آمارهای تئاتر واقعی و روز باشد. تعداد جشنواره مهم نیست، مهم این است که جشنواره چه کمکی به تئاتر کشور می‌کند. اغلب گروه‌های شهرستانی کارهایشان را برای جشنواره آماده می‌کنند و بعد حتی یک شب برای مردم شهر خودشان هم نمایش نمی‌دهند. نمی‌فهمم این فرهنگ از کجا آمده است؟ همه چیز شده آمارهای آنجانی و جایزه و تشویق و هیچ‌ک کار واقعی و اصلی خودش را انجام نمی‌دهد.



یاد گرفتم که در موقع کار کردن با دست‌شان اثر را می‌پوشانند.» هرچند اکنون شاگردان بسیاری دارد و درباره دانشکده هنر به سراغ طنز رفت و گفت: «دانشکده مرفه هم داریم.» او درباره ویژگی‌های یک هنرمند گفت: «این اهمیت دارد که چگونه با مسایل اطراف برخورد کند. این نکته را از بچگی یاد گرفتم. کسی که امروز در مقابل شما قرار گرفته، آدم تیزهوشی است. این را سختی زندگی برایش به ارمان آورده است. هنرمند باید پلی بین دو جهان باشد. هرچه در جهان است مال هنرمند است. هنرمند باید دستش را دراز کند و آنچه نگاه من به دنیا چگونه است و چگونه زندگی کرده‌ام. آثار من نقاشی‌های آخرالزمانی هستند که همه چیز در دنیا به انتهای عمرش رسیده و می‌سوزد. این سبک را من به وجود نیاوردم؛ بلکه سابقه زیادی دارد.»

کلایدرمن در برج میلاد



خبر حضور ریچارد کلایدرمن در ایران چندی پیش مطرح شده بود و اینک با صدور مجوز ابعاد قطعی‌تری به خود می‌گیرد. مجوز اجرای صحنه‌ای گروه «ریچارد کلایدرمن» به سرپرستی و حضور خودش از سوی دفتر موسیقی صادر شد و در روزهای ۹ تا ۱۳آبان‌ماه به همراه گروهی ۱۶ نفره در برج میلاد روی صحنه می‌رود.

سیلوپا پلات تمبر شد



گاردین: تصویر سیلوپا پلات همسر «تد هیوز»، ملکشاعرای معروف انگلیسی، برای بزرگداشت نام‌اش بر تمبرهای آمریکایی نقش می‌بندد. عکس ۹ نویسنده آمریکایی دیگر نیز روی تمبرهای این کشور حک می‌شود. سال گذشته عاقله‌مندان پلات برای جمع‌آوری هزینه تعمیر سنگ قبر وی اعلام آمادگی کردند.

شمقدری: اسکار شبیه جشن سینمای گچساران است

به نمایش گذاشته‌شده در سینماهای آمریکا در طول یک سال و همچنین فیلم‌های خارجی که امکان پخش آن در سینماهای آمریکا مقدور باشد را مشاهده و انتخاب می‌کنند.»شمقدری بیان کرد: «ما توجه به اینکه راهبایی فیلم‌ها به اسکار

منوط به دیدن ۳۰۰عضو این آکادمی در سراسر آمریکاست، عملا شرایط حضور در اسکار برای فیلم‌های ایرانی که به دلیل نداشتن پخش‌کننده در آمریکا در سینماهای این کشور به نمایش گذاشته نمی‌شود سخت است.»وی عنوان کرد: «مسال فیلم «جدایی نادر از سیمین» موفق به راهبایی به اسکار شده که باید منتظر ماند تا مشخص شود این فیلم می‌تواند نظر دست‌اندرکاران اسکار را به خود معطوف کند یا خیر.» این مقام سینمایی به تازگی گفته بود بهار عربی بر گرفته از تاثیر سریال حضرت یوسف است.

و جنس آن شبیه به جشن سینمای گچساران در چند روز اخیر است. شرایط حضور در اسکار برای فیلم‌های ایرانی که به دلیل نداشتن پخش‌کننده در آمریکا در سینماهای این کشور به نمایش گذاشته نمی‌شود، سخت است.» وی ادامه داد: «برخلاف آن چیزی که برخی مواقع در جامعه سینمایی کشور مطرح می‌شود نگاه من به اسکار منفی نیست اما نیازمند این همه تبلیغاتی که در سطح کشور روی آن می‌شود، نیست. اسکار یک جشنواره بین‌المللی نیست بلکه منحصر به کشور آمریکاست که تعدادی از اعضای آکادمی اسکار در این کشور فیلم‌های

کلبه کوچک من

همنشینی به اسم دکتر

satrazaad (۵۶)

اردشیر خرم‌نوب

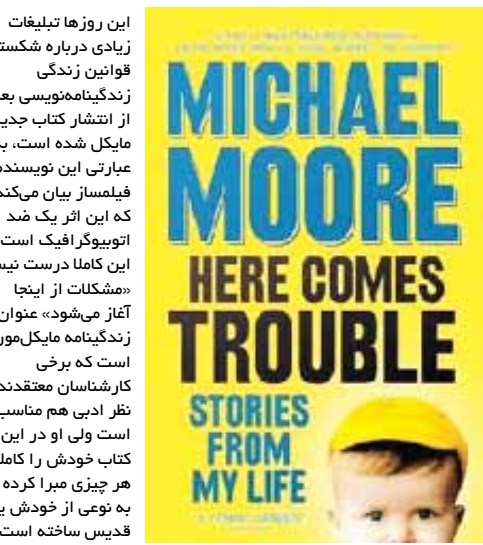
■ علت اینکه نوشته را ناتمام می‌گذارم و به موضوعی دیگر می‌پردازم این است که ساعتی بیش مرا از کلبه کوچکم به کلبه‌ای دیگر منتقل کردند. درست بعد از شصت‌وششت روز اقامت در کلبه‌ای کوچک، به کلبه کوچک دیگری کوچم دادند. اکنون ساعت ده شب است که من در کلبه جدید، با یک پزشک سیاه‌پوست همنشین شدم.ام صبح امروز، وقتی دانستم دیگر کاغذی در اختیار من نمی‌گذارند، راشش را بخواهید، کمی افسردگی گرفتم و نیم‌ساعتی حال خوبی نداشتم. در کنج کلبه کوچک خود فرونشستم و به خدا گفتم: من این نوشته را به امید همراهی شما شروع کرده‌ام. آن دوستی که به من کاغذ می‌رساند، مدت‌هاست به من سر نزده و من مجبور شدم‌ام به هر کاغذ و مقوا و دستمال کاغذی روی برم. یک فکر اساسی برای کاغذ من بکنید و نگرانی مرا از این‌سبابت برطرف سازید. بعد از نماز، مغرب، افطار کردم. مشغول نوشتن همین سطرهای بالا بودم که در کلبه گشوده شد. بله؟ باید کوچ کنید! کجا؟ دو طبقه بالاتر! و اکنون در کلبه‌ای هستم کمی بزرگ‌تر، با دکتر سیاه‌پوستی که متخصص ارتوپدی است. دکتر ساتازادا، به کلبه جدید پای می‌گذارم، سه چیز نظرم را جلب می‌کند. یکی چهره خواستنی این پزشک است، یکی فضای وسیع‌تر کلبه که در خود حمام نیز دارد و من مجبور نیستم هفته‌ای یکبار در صف نوبت روندگان حمام قرار بگیرم و عجلانه سروته شست‌وشوی خود را در مهلکی که به من داده‌اند، به هم آورم. سوسمی اما نمایشی یک ثروت تمام نشدنی در همین کلبه جدید است. ثروتی که برای من از همه دارایی‌های جهان ارزشمندتر است. باور کنید لذتی که من از نمایش‌ای این همه ثروت سر کشیدم، از لذت ناشی از سود کلان یک تاجر سراسیمه بیشتر است. مدت‌ست پزشک سیاه‌پوست، یک کتاب می‌بینم. عنوان این کتاب برام مهم نیست. اما در زیر این کتاب، یک دفتر فیزی جلد مشکی دویست برگی است. در همان دقیقه‌های نخست و در لایه‌لای صحبت با پزشک سیاه‌پوست، به نرمی دست می‌برم و لای برگ‌های دفتر را می‌گشایم. تا ببینم آیا ورق سفیدی باو هست یا نه که می‌بینم به‌جز بدت برگ، همه سفید است. با تعجب از او می‌پرسم: این دفتر چگونه به داخل کلبه راه یافته؟ در حالی که دانشن کاغذ و قلم در اینجا از مهنوعیت همه‌جانبه‌ای برخوردار است؟ او در پاسخ می‌گوید: مرا درحالی دستگیر کردند که این دفتر همراهم بود. این را خریده بودم تا یادداشت‌های حرفه‌ای خود را بر آن بنویسم. یک هفته‌ای که در این کلبه و یک کلبه دیگر ماندم، از مامور خود خواستم که این دفتر را به من بازگردانند تا مطالبی را که بر بیستست صفحه اول آن نوشته‌ام، مطالعه کنم. پنج روز پیش این دفتر را آوردند و تحویل من دادند. پزشک سیاه‌پوست وقتی نگاه مشتاق مرا یا دفتر خود می‌بیند، می‌گوید: اگر به کاغذ نیاز دارید، می‌توانید از دفتر من استفاده کنید. هر چند برگ که بخواهید من با ولع، داستان نوشتن‌های خود را برای او می‌سرایم و تمام شدن کاغذ را نوشتن روی هر چیز را، و داستان تقاضای عاجزانه از خداوند برای دستیابی به کاغذ را. آن‌هم درست در همین چهل دقیقه پیش! اینها را که می‌گویم، کمی فکر می‌کنند و باطمینان دست به دفتر فیزی خود می‌برد و می‌گوید: تقدیم به شما. من که همیشه در برابر هدیه یا تعارف کسی مقاومت می‌کردم، اکنون، با اشتیاق فراوان و با شتاب، هدیه او را می‌پذیرم، و با همین شتاب، به جرگه ثروتمندان عالم می‌پیوندم. خوب، این هم کاغذ. دیگر چه؟ سجده شکر به‌جای می‌آورم. چند بار و یک بارش برای ثروت دویست برگی‌ام. درباره این پزشک برای شما خواهم نوشت. پیش از آن اجازه بدهید به سر وقت موضوع مورد علاقه خودمان بازگردیم. بله، این آبشار لطیف، همچنان بر تن و بدن و فهم ندگان می‌بارد. تا مبدا کسی در گيرودار زندگی احساس بی‌کسی کند. این خود خداست که می‌گوید: بنده، من مبدا خودت را بی‌پناه و تنها حس کنی؟ مبدا غسم کاغذ تو را به آغوش افسردگی درازاند! تو ثابت کن که بنده منی، من خود باقی کارهای تو را سرسوسان می‌دهم. مرا نیازی به اثبات این نیست که بگویم خدای توام. چرا که من آداب خداوندگاری خویش را نیک می‌دانم. چشم به راه بندهای هستم که آداب بندگی بدانند. خداوندی که به دشمنان خود مهر می‌ورزد، چگونه دوستان خود را باغباندار؟ خدایا، طعم قلم من، نمی‌تاند چرا در این ساعات‌های اعجاب، به شوری اشک چشم، روی می‌برد. دلم می‌خواهد خودم را در آغوش تو ببینازم و روی ماه تو را ببوسم. نه به‌خاطر کاغذ، به‌خاطر همین که به من نزدیکی، سخنم را می‌شنوی. و غیرتمندانه پاسخم می‌گویی. در ادامه این آیه، خداوند می‌فرماید: من درخواست بندهام را هنگامی که مرا صدا می‌زند، اجابت می‌کنم.

ادامه دارد

یک اتفاق

الوند: عکاسی همراهی برای سینما

■ سیروس الوند در کارگاهی به وظایف عکاس سینما اشاره کرد و افزود: از ابتدا دو شاخه در کار سینما بنای آن کج گذاشته شده، یکی از آنها فیلمنامه بود و دیگری عکاسی، به عقیده من عکاس بهتر از کارگردان پلان را انتخاب می‌کند؛ چرا که خود من عنوان کارگردان سر صحنه تمام حواسم به عکاس و فیلمبردار است و فکر می‌کنم سینما یک کار جمعی است و گاهی عکاس زاویه‌ای را سر صحنه انتخاب می‌کند که بهتر از تصمیم کارگردان با فیلمبردار است.



این روزها تبلیغات زیادی درباره شکستن قوانین زندگی قویاندر کتاب جدید مایکل شده است. به عبارتی این نویسنده و فیلمساز بیان می‌کند که این اثر یک ضد اتوبیوگرافیک است اما این کارها درست نیست. «مشکلات از اینجا آغاز می‌شود،» عنوان زندگینامه مایکل‌مور است که برخی کارشناسان معتقدند از نظر ادبی هم مناسب است ولی او در این کتاب خودش را کارا از هر چیزی میرا کرده و به نوعی از خودش یک قدیس ساخته است



فیلم سمعیدی شیرشاه این هفته بار دیگر در قالب سمعیدی همیونیر را در بازار انیمیشن به پا کرد.



گزارش تصویری

ایلنا:نمایشگاه «هفت هنرمند، هفت اثر در هفت دقیقه» هفتم مهر در گالری سیحون رونمایی می‌شود. جمال بخشپور، واحد خاکداز، بهرام دبیری، پرویز کلانتری، پریوش گنجی، احمد نصراللهی و محسن‌وزیری‌مقدم هفت هنرمندی هستند که در پایان اولین هفته از فصل پاییز آثارشان در این مجموعه به نمایش گذاشته می‌شود.